

حج برتر در سنت نبوی

مجید معارف

مقدمه:

به گفته روایات، حج در اسلام به سه گونه تشریح شده است که عبارت‌اند از: «افراد»، «قرآن» و «تمتع».^۱ برپایه همین روایات:

حج افراد، به معنای حج خالص است؛ به گونه‌ای که حج‌گزار به جز انجام مناسک حج، نیت دیگری نداشته باشد.^۲

حج قرآن، عبارت از حجی است که در آن حاجی از محل سکونت خود اقدام به آوردن قربانی کند.^۳

و حج تمتع، به معنای حجی است که در آن حاجی در فاصله انجام مناسک عمره و مناسک حج، از حالت احرام خارج شده و به بهره‌برداری و تمتع از مواهبی که در زمان احرام بر وی جایز نبوده است، مجاز می‌گردد.^۴

در روایات شیعه بر انجام مناسک حج، از نوع سوم، بسیار تأکید شده و از آن به‌عنوان حج برتر و یادگار سنت پیامبر ﷺ و سیره امامان معصومین علیهم‌السلام سخن رفته است. در صورتی که در مورد برترین نوع حج، اختلافات فاحشی در مذاهب چهارگانه اهل سنت وجود دارد. حج تمتع به‌عنوان مورد سفارش پیامبر ﷺ از ادله استواری در روایات اهل سنت برخوردار است، اما در پی

اقدام برخی از صحابه در نفی عمره تمتع، عملاً بر اقسام دیگر حج توصیه و تأکید شده است. این نوشتار بر آن است که با تکیه بر ادلهٔ روایی فریقین (شیعی و سنی) به بررسی وضعیت حج تمتع در عصر پیامبر خدا ﷺ بپردازد و ارجحیت آن را نسبت به دو قسم دیگر، به ویژه با تکیه بر روایات وارده از طریق اهل بیت ﷺ مبرهن سازد.

درآمد

گزارشی از حج پیامبر خدا ﷺ در حَجَّةِ الْوَدَاعِ و تشریح عمره تمتع در خصوص چگونگی حج آن حضرت در حجة الوداع، روایات متعدد و گاهی مفصل در جوامع حدیثی فریقین وارد شده^۵ و با استفاده از همین روایات، کتب مستقلی نیز ویژه کیفیت حج آن بزرگوار به رشته تألیف کشیده شده است؛^۶ از جمله عبدالله بن سنان در حدیثی از امام صادق ﷺ سفر پیامبر خدا ﷺ در حجة الوداع را چنین گزارش کرده است:

«پیامبر خدا ﷺ اعلام کرد که من عازم حج خانهٔ خدایم و نامه‌ای نوشت تا به مسلمانان ابلاغ شود که هر کس می‌تواند عازم حج شود. مسلمانان از اطراف مدینه گرد آمدند. پیامبر ﷺ از مدینه خاج شد و موقعی که در کنار (مسجد) شجره فرود آمد، فرمود تا همگان موهای زاید بدن را بزدایند و غسل کنند و لباسی بر تن نکنند جز یک قواره پارچه که بر کمر ببندند و یک قوارهٔ دیگر که بر دوش بپیچند و اگر ندارند، عمامهٔ خود را بر دوش بگیرند. ابو عبدالله گفت: پیامبر خدا ﷺ به این صورت لبیک می‌گفت:

«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

«آمدم، بار خدایا! آمدم، و تو را انبازی نیست. آمدم. ستایش و نعمت هر دو از آن تو است همراه با پادشاهی و تو را انبازی نیست.»

و فراوان می‌گفت: «لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ»؛ «آمدم ای صاحب آسمان‌های بلند، آمدم.» و هرگاه به رهگذری برمی‌خورد و یا بر پشته‌ای بالا می‌رفت و یا از دره‌ای سرازیر می‌گشت، آوای لبیک را از سر می‌گرفت و نیز در پایان شب‌ها و بعد از نمازها، به تکرار آن می‌پرداخت.



هنگام ورود به مکه، از گردنه بالای مکه وارد شد و زمان بازگشت به مدینه از درّه پایین مکه؛ یعنی «ذی طوی» بیرون آمد. پیامبر خدا ﷺ هنگام ورود به مسجد متوقف شد و رو به کعبه ایستاد و خدا را سپاس و ثنا گفت و بر پدرش ابراهیم خلیل درود فرستاد و بعد از ورود به مسجد، به سوی حجرالأسود رفت و آن را بوسید، سپس مشغول به طواف شد و بعد از طواف در پشت مقام ابراهیم، دو رکعت نماز خواند. بعد از نماز، بر سر چاه زمزم آمد و از آن نوشید و گفت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ». و این دعا را رو به قبله تکرار کرد. سپس به اصحاب خود فرمود: دیدار از کعبه، باید با استلام حَجَرِ پایان پذیرد. بار دیگر حجرالأسود را بوسید و راهی صفا شد و با صدای بلند گفت: «از آن جا آغاز می‌کنم که خداوند آغاز کرده است.» لذا بر کوه صفا بالا رفت تا سعی صفا و مروه را آغاز کند و چندان بر روی آن توقف کرد که انسان می‌تواند سوره بقره را تلاوت کند.^۷

طبق روایت دیگر، که معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، پیامبر خدا ﷺ پس از فراغت از سعی صفا و مروه، اشاره به پشت سر خود کرد و خطاب به مردم فرمود: اکنون این جبرئیل است که به من می‌گوید: به شما فرمان دهم که هرکس با خود قربانی نیاورده، از احرام خارج شود (و عمل خود را عمره قرار دهد) و اگر من آنچه تاکنون انجام داده‌ام، انجام نداده بودم، همان کاری را که به شما فرمان دادم، انجام می‌دادم، لیکن اکنون قربانی به همراه آورده‌ام و برای کسی که قربانی به همراه دارد، شایسته نیست از احرام خارج شود، مگر آن که قربانی به قربانگاه رسد.

در این هنگام یکی از حاضران گفت: «ما به حج آمده‌ایم، در وضعیتی که از سر و موی ما آب (غسل) ریزان است. پیامبر ﷺ به او گفت: تو هیچ‌گاه به این حکم ایمان نخواهی آورد.^۸ در این لحظه، سراقه بن مالک بن جعشم کنانی گفت: ای فرستاده خداوند، دین ما را آن‌گونه به ما بیاموز که گویا امروز آفریده شده‌ایم. این دستور که فرمودی ویژه امسال است یا برای همیشه؟ پیامبر ﷺ در پاسخ او فرمود: این فرمانی است برای همیشه، تا روز قیامت. سپس انگشتان خود را در هم فرو برده، گفت: این چنین حج و عمره تا روز قیامت به هم پیوسته گردید.^۹

پس از سخنان پیامبر ﷺ، گرچه حکم شرعی جدید برای بعضی از صحابه سنگین و غیر قابل قبول می‌نمود، لیکن به هر جهت اصحاب و همراهان پیامبر ﷺ به دو گروه تقسیم شدند؛ الف: کسانی که همانند پیامبر ﷺ از مدینه با خود قربانی آورده بودند که از جمله آن‌ها ابوبکر،



میقات

عمر، طلحه، زبیر و گروه دیگر بودند،^{۱۰} لذا همانند پیامبر بر حال احرام باقی ماندند و نتوانستند از رخصت تمتع استفاده کنند ب: آن دسته از همراهان حضرت، که اکثریت را تشکیل می دادند، قربانی به همراه نیاورده بودند، از جمله آنها همسران پیامبر ﷺ و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از لباس احرام به در آمده و عمل خود را عمره قرار دادند.^{۱۱}

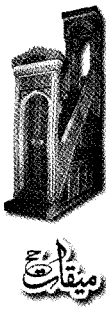
طبق روایتی، علی علیه السلام که در این ایام از ناحیه یمین به مکه وارد شد، پس از مشاهده حضرت فاطمه علیها السلام، که از احرام خارج شده و لباسی رنگین به تن کرده بود، ابتدا تعجب کرد، اما پس از توضیحات همسرش، در جریان تشریح عمره تمتع قرار گرفت و متقاعد شد.^{۱۲}

آنگاه به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله نایل شد و پیامبر از وی پرسید: ای علی، با چه نیتی لباس احرام به تن کردی؟ علی علیه السلام در پاسخ گفت: به هنگام پوشیدن جامه احرام گفتم: خدایا! من با همان نیتی محرم می شوم که پیامبر صلی الله علیه و آله محرم شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: پس تو نیز بر حالت احرام باقی بمان؛ زیرا تو در قربانی من شریکی (و من از مدینه به نیت تو قربانی آورده ام).^{۱۳}

بنا به حدیث امام صادق علیه السلام و اصحاب او در بطحا ساکن شدند تا آن که روز ترویبه فرا رسید. صبحگاهان روز ترویبه، بار دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم اعلام کرد غسل کرده، برای انجام حج، جامه احرام بر تن کنند و عازم منا شوند و پس از درنگ یک روزه، فردای آن روز عازم عرفات گردند و...^{۱۴}

تشریح حج تمتع در روایات اهل سنت

آنچه گذشت، چگونگی حج تمتع با تکیه بر روایات شیعه بود؛ اما تشریح این حکم در روایات اهل سنت نیز انعکاس وسیعی دارد؛ به عبارت دیگر، چگونگی حج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - که متضمن تشریح عمره تمتع نیز می باشد - به وسیله گروه زیادی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش شده که جوامع حدیثی به درج روایات آن مبادرت کرده اند، جز آن که در این جوامع روایات دیگری نیز جلب نظر می کند که حاکی از عدم رضایت برخی از صحابه در تشریح این حکم شرعی بوده و احیاناً احکام دیگری را بیان می کند، لذا در روایات اهل سنت اختلافات و بعضاً تعارض هایی در حکم عمره تمتع قابل مشاهده است که لازم است در این قسمت، نمونه هایی از روایات گوناگون آورده شود و سپس داوری مناسب صورت پذیرد.



الف) روایات اهل سنت در تشریح اصل حج تمتع

روایات اهل سنت در تشریح اصل حج تمتع، با کثرت و تنوع چشمگیری همراه بوده و طبق پاره‌ای از تحقیقات و پژوهش‌ها، بیش از ۱۵ تن از صحابه به نقل آن پرداخته‌اند که عبارت‌اند از: جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، براء بن عازب، علی رضی الله عنه، انس بن مالک، ابو موسی اشعری، ابن عباس، ابن عمر، سبرة بن معبد جهنی، سراقه بن مالک مدلجی، ابوذر، معقل بن یسار، فاطمة زهراء رضی الله عنها، حفصه، عایشه و اسما دختر ابوبکر ^{۱۵}.

پاره‌ای از این روایات به قرار زیر است:

۱. معروف‌ترین حدیث در این باره - که گزارش کاملی از حج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در بردارد، حدیث جابر بن عبدالله انصاری، در ملاقات با امام باقر رضی الله عنه است که مسلم در صحیح خود به درج آن پرداخته است. طبق این حدیث، امام صادق رضی الله عنه از قول پدر خود نقل می‌کند که ما بر جابر بن عبدالله انصاری - در حالی که وی نابینا بود - وارد شدیم، وی از حال حاضران پرسید، تا این‌که به من رسید؛ به او گفتم: من محمد بن علی بن حسین هستم. پس از خوشامدگویی، به من گفت: ای برادر زاده! از هر چه می‌خواهی بپرس... پس گفتم: مرا از چگونگی حج گزارای پیامبر صلی الله علیه و آله آگاه ساز. گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نه سال در مدینه اقامت کرد و حج به‌جا نیاورد تا آن‌که در سال دهم، مسلمانان را جهت انجام حج فراخواند. پس از آخرین دور سعی صفا و مروه، به مسلمانان گفت: اگر آن‌چه را که اکنون انجام داده‌ام، به‌جا نیاورده بودم (و قربانی با خود همراه نکرده بودم) مناسک خود را عمره قرار می‌دادم، لذا آن‌کس که قربانی با خود نیاورده، مناسک خود را عمره قرار دهد و از احرام خارج شود.

در این هنگام سراقه بن مالک بن جعشم از جای برخاست و عرض کرد: ای پیامبر خدا؛ این حکم ویژه امسال است یا تا ابد برجاست؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از انگشتان خود را در دیگری داخل کرده، فرمود: عمره داخل در حج شد و دو مرتبه این سخن را تکرار کرد... ^{۱۶}

۲. ابوسعید خدری نقل می‌کند که: ما با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به قصد حج - از مدینه - خارج شده و تلبیه سردادیم، اما چون به مکه رسیدیم، به ما دستور داد به‌جز کسانی که قربانی به همراه آورده‌اند، بقیه کارهای خود را عمره قرار دهند، تا آن‌که روز ترویبه فرا رسید که بار دیگر به قصد حج احرام بسته و عازم ما شدیم. ^{۱۷}

۳. سراقه بن مالک مدلجی گوید: به پیامبر خدا ﷺ گفتم: ای فرستاده خدا، حکم حج را برای ما چنان بیان کن که گویی امروز به دنیا آمده‌ایم - و چیزی نمی‌دانیم - پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند عمره را داخل در حج کرد. چون به مکه رسیدید، هرکدام از شما که طواف خانه خدا و سعی صفا و مروه را انجام داد از احرام خارج شود، مگر کسانی که قربانی به همراه آورده باشند.»^{۱۸}

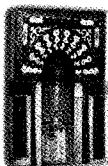
۴. عبدالله بن عمر گوید: «پیامبر خدا ﷺ در حَجَّةُ الْوَدَاع حج را به عمره تبدیل کرد. آن حضرت از ذوالحلیفه قربانی به همراه آورد. پیامبر ﷺ و همراهان او به قصد حج لبیک گفتند. برخی قربانی به همراه داشتند و برخی نه. چون همگان به مکه رسیدند، پیامبر ﷺ فرمود: کسانی که قربانی آورده‌اند، جایز نیست از احرام خارج شوند مگر آن‌که حج را به پایان برند. اما کسانی که قربانی به همراه ندارند، خانه را طواف کرده، به سعی صفا و مروه و سپس تقصیر اقدام کنند و پس از آن از احرام خارج گردند تا آن‌که مجدداً (در روز ترویبه) برای حج لبیک گفته و قربانی خود را به قربانگاه ببرند.»^{۱۹}

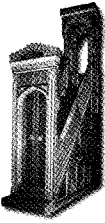
۵. عایشه نقل می‌کند: پنج روز مانده به اتمام ماه ذی‌قعدة، با پیامبر خدا ﷺ به قصد حج از مدینه خارج شدیم، اما چون به حوالی مکه رسیدیم، آن حضرت فرمود: کسانی که قربانی با خود نیاورده‌اند، پس از انجام مراسم طواف خانه خدا، از احرام خارج شوند.^{۲۰}

ب- روایات مقابل با تشریح حج تمتع

در مقابل روایاتی که در خصوص تشریح حج تمتع از نظر گذشت، روایات دیگری نیز در منابع حدیثی اهل سنت جلب نظر می‌کند که تأکید بر انجام حج افراد یا حج قرآن داشته و نظر به جدایی مراسم عمره و حج به صورت توأمان و در یک سفر دارد. برخی از این روایات حکایت از سیره پیامبر ﷺ در این خصوص می‌کند و برخی دیگر عمل پاره‌ای از صحابه، به‌ویژه خلفای اولیه را پس از رحلت پیامبر خدا ﷺ گزارش می‌نماید. ضمناً، در بیشتر این روایات، مخالفت گروه دیگری از صحابه به‌ویژه علی رضی الله عنه در نقد عمل خلفا و اصرار بر انجام عمره تمتع در ماه‌های حج قابل ملاحظه است. نمونه‌ای از روایات وارده در این زمینه، به قرار زیر است:

۱. محمد بن منکدر از جابر نقل می‌کند که: «پیامبر خدا ﷺ و ابوبکر و عمر به انجام حج





افراد بسنده کردند.»^{۲۱}

۲. ابن عمر نقل می‌کند: «ما با پیامبر خدا ﷺ تنها برای حج افراد محرم شده و تلبیه گفتیم» و در روایت دیگر ابن عون تصریح می‌کند که پیامبر خدا ﷺ به حج افراد اقدام کرد.^{۲۲}

۳. ابراهیم تیمی از پدرش نقل می‌کند که او در ربنده با ابوذر ملاقات کرد و ابوذر به او گفت: عمره تمتع صرفاً برای ما (اصحاب پیامبر ﷺ) وضع شد و اختصاصی به دیگران ندارد.^{۲۳} و مطابق نقل‌های دیگر از ابوذر، انجام دو متعه حج و نساء، رخصتی بود که تنها در اختیار اصحاب پیامبر ﷺ قرار گرفت.^{۲۴}

۴. ابوموسی اشعری می‌گوید: وی پس از رحلت پیامبر خدا ﷺ تا ایام خلافت عمر به عمره تمتع فتوی می‌داد. در یکی از سال‌ها، شخصی به او گفت: خلیفه فتوای جدیدی صادر کرده و عمره تمتع را ممنوع ساخته است. او نظر عمر را جویاگردید و عمر گفت: اگر بخواهیم مطابق قرآن عمل کنیم که می‌فرماید: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...»^{۲۵} و اگر بخواهیم مطابق سنت عمل کنیم که پیامبر خدا ﷺ تا وقتی ذبح نکرد، از احرام خارج نشد.^{۲۶} و بنابر حدیثی دیگر، به ابوموسی گفت: من می‌دانم که پیامبر ﷺ و یاران او به عمره تمتع رخصت داده‌اند، اما کراهت دارم از این‌که مردم در اراک (سرزمین عمره در عرفات) به تمتعات جنسی مشغول شوند و در حالی که آب غسل از آنان سرازیر است عازم حج شوند.^{۲۷}

۵. سعید بن مسیب گوید: علی و عثمان، هر دو، در عسفان بودند. عثمان مردم را از عمره تمتع نهی می‌کرد. علی رضی الله عنه - در مقام اعتراض - به او گفت: آیا از چیزی نهی می‌کنی که پیامبر خدا ﷺ به آن فرمان داده است؟ عثمان گفت: ما را به حال خود واگذار. حضرت فرمود: نمی‌توانم و چون علی رضی الله عنه عثمان را در عقیده خود مصرّ دید، خود به انجام حج و عمره فتوی داد.^{۲۸}

آیا رخصت عمره تمتع اختصاصی بود؟

برخی از روایات مخالف با تشریح عمره تمتع، بر این پایه است که رخصت یاد شده ویژه اصحاب پیامبر ﷺ و محدود به دوران رسالت بوده است، لذا نمی‌توان به‌عنوان یک حکم دائمی آن را مورد عمل قرار داد! در این زمینه به‌ویژه از قول ابوذر ادعاهایی وارد شده؛ مثلاً:

۱. ابراهیم تیمی از پدرش و او از ابوذر روایت می‌کند که گفت: متعه در حج ویژه



اصحاب پیامبر ﷺ تشریح گردید. ۲۹

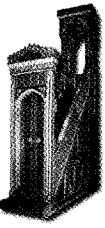
میقات

۲. همان راوی از ابوذر روایات می‌کند که گفت: استفاده از دو متمعه برای کسی جز ما - به‌طور ویژه - جایز نیست؛ متمعه زنان و متمعه حج. ۳۰

۳. عبدالرحمان بن ابی‌شعثاء گوید: نزد ابراهیم نخعی و ابراهیم تیمی آمده و به آن دو گفتم: من تصمیم دارم که امسال میان عمره و حج، جمع کنم. ابراهیم نخعی گفت: اما پدر تو میان این دو، جمع نمی‌کرد. ابراهیم تیمی از پدر خود نقل کرد که وی در این خصوص در ریزه نظر ابوذر را جویا شد و او گفت: رخصت عمره متمع تنها برای ما صادر شد و ارتباطی با شما ندارد. ۳۱

نقد و بررسی روایات مخالف با جواز عمره متمع

در مقام جمع‌بندی روایات گذشته و نقد روایات مخالف با جواز عمره متمع باید گفت: روایاتی که حکایت از اجتناب پیامبر ﷺ و برخی از صحابه از انجام عمره متمع در حجة الوداع دارد، روایاتی قابل قبول بوده که دلیل آن صرفاً قربانی به همراه داشتن پیامبر ﷺ و دسته‌ای از اصحاب ایشان دارد و چنان‌که پیشتر گذشت، در همان سال دهم هجری، بیشتر همراهان پیامبر ﷺ؛ از جمله همسران آن حضرت و نیز فاطمه زهرا (رضی الله عنها) موظف به انجام عمره متمع شدند و تنها در روز ترویبه به قصد حج لیکن گفتند. روایاتی که رخصت عمره متمع را ویژه اصحاب پیامبر ﷺ اعلام می‌کند، روایاتی غیر قابل قبول بوده و قطعاً بر پایه جعل یا توهم وارد شده است. دلیل آن اولاً: روایاتی است که تشریح عمره متمع و نیز توأمان بودن عمره و حج در ماه‌های حج را به‌عنوان حکم ابدی اعلام می‌کند - از جمله سؤال سراقه بن مالک جعشم از پیامبر خلد ﷺ که در پاسخ او به ابدی بودن حکم تشریح عمره اشاره گردید. ۳۲ - و ثانیاً روایات متعددی در منابع اهل سنت وارد شده که از نهی و تحریم عمره متمع در ماه‌های حج به‌عنوان بدعتی از سوی عمر حکایت دارد و ظاهراً تا وقتی عمر زنده بود، مردم را از انجام عمره متمع نهی کرد و نهی او مورد تبعیت قرار داشت. اما چون از دنیا رفت، مجدداً میان اصحاب پیامبر ﷺ در خصوص جواز یا عدم جواز آن اختلاف نظر به‌وجود آمد و اکثر اصحاب پیامبر ﷺ به این دلیل که در نسخ عمره متمع آیه و سنتی وجود ندارد و تنها بر پایه رأی و نظر شخصی (عمر) نهی از عمره متمع وارد شده، مجدداً متمایل به انجام آن شدند.



مِيقَاتُ

روایات زیر شاهد موارد یاد شده است:

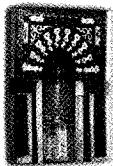
۱. مُطَرِّف بن عبدالله از عمران بن حُصَین روایات متعددی نقل کرده که در همه جا، نهی از انجام عمره تمتع، به اجتهاد شخصی، پس از رحلت پیامبر ﷺ، نسبت داده شده است؛ از جمله آن که گفت: «بدان که پیامبر خدا ﷺ بین حج و عمره را جمع کرد و پس از آن، نه آیه‌ای در مقام نسخ این حکم نازل شد و نه پیامبر خدا ﷺ از انجام آن نهی کرد، تا آن که شخصی به رأی و اجتهاد خود در آن چه خواست، فتوایی صادر کرد.»^{۳۳}

۲. محمد بن عبدالله بن حارث گوید: سعد بن ابی وقاص و ضحاک بن قیس درباره جواز عمره تمتع در ماه‌های حج با هم سخن می‌گفتند، ضحاک معتقد بود این کار را جز کسانی که جاهل به امر خدا باشند، کس دیگر انجام نمی‌دهد، اما سعد به او گفت: ای برادرزاده، تو رأی بد و فاسدی داری. ضحاک گفت: عمر بن خطاب از عمره تمتع نهی کرده است. اما سعد بن ابی‌وقاص گفت: ولی پیامبر خدا ﷺ آن را انجام داده (بدان فرمان داده است) و ما نیز همراه با پیامبر ﷺ آن را انجام دادیم.^{۳۴}

۳. یکی از اهالی شام، از عبدالله بن عمر در خصوص عمره تمتع سؤال کرد. وی گفت: کاری حلال و جایز است. سؤال‌کننده گفت: اما پدر تو از آن نهی کرده است. عبدالله بن عمر گفت: نظر تو در این باره چیست که اگر پدر من از عمره تمتع نهی کرده و در همان حال پیامبر خدا ﷺ بدان فرمان داده باشد، فرمان پدرم قابل تبعیت است یا حکم پیامبر خدا ﷺ؟ مرد شامی گفت: البته امر و فرمان پیامبر خدا ﷺ. عبدالله بن عمر گفت: پس بدان که پیامبر خدا ﷺ چنین کاری (فرمانی) داده است.

علت تشریح عمره تمتع در ماه‌های حج

از مباحث پیشین، اجمالاً به دست آمد که عمره تمتع در سال حَجَّة الوداع تشریح گردید و به فاصله کوتاهی، پس از آن، پیامبر خدا ﷺ از دنیا رفت و در نتیجه این حکم شرعی به عنوان سنت و یادگار آن بزرگوار باقی ماند که تا به امروز نیز به قوت و اعتبار خود باقی است؛ زیرا مخالفت عده معدودی از صحابه؛ از جمله عمر و عثمان نتوانست حتی در میان اهل سنت اصالت حکم یاد شده را با خطر جدید همراه سازد. اما دلیل این تشریح چه بود؟ جهت روشن شدن مطلب باید گفت: از روایات تاریخی چنین به دست می‌آید که در دوران جاهلیت، مردم



میقات

در ماه‌های حج تنها به قصد حج خالص مُحرم شده و تا روز عید قربان - که قربانی و حلق یا تقصیر صورت می‌گرفت - در حالت احرام باقی می‌ماندند. نیز برای انجام مناسک عمره در ماه‌های دیگر، به خصوص ماه رجب، عازم زیارت خانه خدا می‌شدند و به‌عنوان یک رسم معتقد بودند که وقتی زخم پشت مرکب سواری حج بهبود یافت و بر آن کرک روید و ماه صفر فرا رسید، انجام عمره جایز می‌گردد.^{۳۵} اما این گونه انجام مناسک عمره در عمل از دو ناحیه مشکلاتی برای زائران خانه خدا به وجود می‌آورد که عبارت‌اند از:

۱. تعدد سفرهای زیارتی به مکه؛ به این معنی که طالبان حج و عمره، برای انجام این عبادات، سفرهای متعددی داشته باشند؛ از جمله در ماه‌های حج، به قصد «حج» و در ماه‌های دیگر به خصوص ماه رجب، به قصد «عمره»، بار سفر به سوی مکه ببندند و طبعاً این کار چه از جهت صرف هزینه و چه از جهت دوری و ناامنی راه‌ها، برای بسیاری از زائران مشقتی در برداشت. توسعه تدریجی سرزمین‌های اسلامی و زیاد شدن روزه‌روز تعداد مسلمانان، به حجم مشکلات اضافه می‌کرد و در نتیجه ممکن بود به تعطیل شدن عمره بینجامد، حال آن‌که از برخی روایات به دست می‌آید انجام حج و عمره هر دو مد نظر خدای تبارک و تعالی بوده و در نتیجه بر مسلمانان واجب شده است.^{۳۶}

۲. باقی ماندن ایام طولانی در حال احرام؛ می‌دانیم که پس از حضور حج‌گزار در یکی از میقات‌ها و پوشیدن لباس احرام و گفتن لَبَّيْكَ (به‌ویژه به قصد حج خالص) ۲۴ چیز بر او حرام می‌گردد. از این زمان بر حاجی است که محرمات احرام را رعایت کند تا روز عید قربان، که پس از قربانی و حلق یا تقصیر جواز خروج از احرام پیدا کند. یقیناً حفظ وضعیت احرام در ایامی طولانی، مشکلات فراوانی برای حج‌گزار به وجود می‌آورد که تحمل آن دشوار و چه بسا در شرایطی موجب فساد حج یا توأم با کفارات سنگین می‌گردد. اما با تشریح عمره تمتع و خروج از لباس احرام تا روز ترویبه، این مشکلات به کمترین حد خود می‌رسد و حاجی با آسایش بهتر آماده برگزاری مناسک حج می‌شود، ضمن آن‌که چنان‌که گذشت طی یک سفر از ثواب و فضیلت دو عبادت شرعی؛ یعنی «حج» و «عمره» بهره‌مند می‌گردد و این مهم‌ترین فلسفه تشریح «عمره تمتع» به‌شمار می‌رود.

امام رضا علیه السلام در همین خصوص می‌فرماید: «مردم به انجام عمره تمتع مأمور شدند تا تخفیف و رخصتی از جانب پروردگارش باشد و نیز مناسک مردم در زمان احرام آنان سالم



مانده و با طولانی شدن زمان احرام، این مناسک باطل و فاسد نگردد و چون حج و عمره هر دو واجب هستند (با فاصله، هر دو را در یک سفر انجام دهند) مبادا که مناسک عمره ضایع و تعطیل شود و حج به تنهایی و جدا از عمره برگزار گردد...»^{۳۷}

بررسی تطبیقی «حج برتر» در مذاهب اسلامی

با توجه به اختلافی که در خصوص حج تمتع، در جوامع حدیثی اهل سنت وجود دارد، در باره برترین قسم حج، اختلافات زیادی در مذاهب اربعه به وجود آمده است. برخی از این اختلافات، در خصوص «حج برتر» از اقسام سه گانه حج، به شرح زیر است:

الف) مذهب شافعی: در این مذهب، ترتیب افضلیت حج‌های سه گانه عبارت‌اند از: حج افراد، حج تمتع و حج قرآن.^{۳۸}

ب) مذهب مالکی: در این مذهب ترتیب افضلیت حج‌ها عبارت‌اند از: حج افراد، حج قرآن و حج تمتع.^{۳۹}

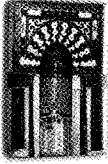
ج) مذهب حنبلی: در این مذهب، نظریات مختلفی وجود دارد، مطابق یک نظر منقول از شخص احمد بن حنبل، ترتیب افضلیت حج‌های سه گانه عبارت‌اند از: حج تمتع، حج افراد و حج قرآن.^{۴۰}

د) مذهب حنفی: در این مذهب نیز ترتیب افضلیت حج‌های سه گانه، به این صورت است که: «حج قرآن برتر از حج تمتع و حج تمتع برتر از حج افراد است».^{۴۱}

این اختلافات درباره برترین نوع حج سبب گردید که برخی از مردم درباره نوع حج پیامبر خدا ﷺ و نیت آن بزرگوار در لحظه احرام، به تردید بیفتند^{۴۲} و پرسش‌هایی در این باره از امامان رضی الله عنهم بنمایند.

فضیل بن عیاض گوید: من از اختلافات مردم درباره نوع حج پرسیدم و این که درباره حج پیامبر خدا ﷺ برخی معتقدند: آن بزرگوار به نیت حج افراد لیک گفت و برخی می‌گویند: آن به نیت عمره محرم گشت، برخی دیگر قائلند که آن حضرت به صورت قارن به راه افتاد و برخی دیگر بر این باورند بدون نیت خاص از میقات خارج گردید. اما منتظر فرمان خدای - عزّوجل - به سر می‌برد.

امام صادق رضی الله عنه در پاسخ فرمود: البته خدای عزّوجل آگاه بود که حج پیامبر خدا ﷺ در

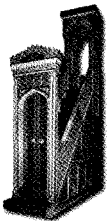


میقات حج

سال دهم، آخرین حجی است که پیامبر ﷺ انجام می‌دهد و بعد از آن، حجی برای آن حضرت نیست، لذا در آن سؤال حج و عمره را برای رسول خود جمع ساخت تا توأمان بودن حج و عمره، به‌عنوان سنتی برای امت او باقی بماند. به همین سبب چون پیامبر کعبه را طواف کرد و به سعی صفا و مروه پرداخت، جبرئیل به او فرمان داد که به مردم بگوید کارهای خود را عمره قرار دهند، به‌جز کسانی که قربانی به‌همراه آورده‌اند که آنان در قید قربانی خواهند بود و طبق گفتار خداوند که می‌فرماید: ﴿...حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ...﴾^{۴۳} خروج از احرام برای آن‌ها روا نیست. به این ترتیب بود که عمره و حج برای پیامبر ﷺ جمع گردید. البته پیامبر ﷺ مطابق با همان نیت و سنتی از میقات به‌سوی مکه روان‌گشت که در میان اعراب اولیه جاری بود و مردم در آن دوران چیزی جز انجام حج (در ماه‌های حج) نمی‌شناختند. پیامبر ﷺ در این خصوص به انتظار اوامر الهی بود، اما در عین حال می‌فرمود: مردم بر همان سنن پیشین خود هستند، مگر آن‌چه را که اسلام تغییر دهد و از آن‌جا که برای مردم انجام عمره در ماه‌های حج متداول نبود، آن‌گاه که پیامبر ﷺ فرمود: مناسک خود را عمره قرار دهید، این فرمان برای اصحاب آن حضرت سنگین و گران جلوه کرد؛ زیرا آنان سابقه‌ای از انجام مناسک عمره در ماه‌های حج نداشتند.^{۴۴}

اما به‌عنوان پایان‌بخش مقاله حاضر، گفتنی است که در مذهب شیعه افضلیت حج تمتع به‌طور قاطع مورد نظر امامان علیهم‌السلام بوده که جهت دهنده فقه امامیه نیز شده است. امامان مذهب؛ به خصوص صادقین علیهم‌السلام این موضوع را دست‌آورد قرآن کریم و سنت نبوی دانسته و همواره بر آن، به‌عنوان «برترین نوع حج» تأکید می‌کرده‌اند، لذا هم شیعیان را - در جو حاکمیت اهل سنت - بدان فرمان داده‌اند و هم خود بدون هیچ تقیه و پروایی به انجام آن مبادرت می‌کردند. احادیث زیر - به‌عنوان شمار محدودی از روایاتی که در این خصوص وارد شده - موضع قاطع امامان علیهم‌السلام را درباره برترین نوع حج نشان می‌دهد:

۱. ابو ایوب ابراهیم بن عیسی گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم کدام یک از اقسام حج بر انواع دیگر آن برتری دارد؟ فرمود: حج تمتع دارای فضیلت بیشتری است. چگونه امکان دارد حجی با ارجح و برتر از حج تمتع باشد، با آن‌که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آرزو می‌کرد و می‌گفت: اگر آن‌چه تاکنون انجام داده‌ام، انجام نداده بودم، امروز حج خود را به همان صورتی انجام می‌دادم که دیگران انجام می‌دهند.^{۴۵}



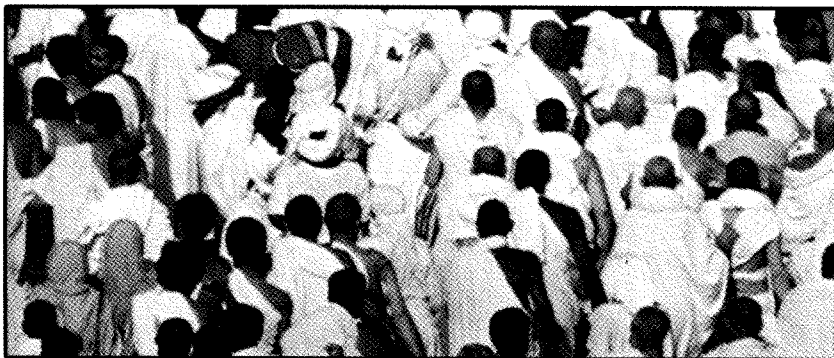
۲. حفص بن البختری و حسن بن عبدالملک، از زواره، و او از امام صادق علیه السلام روایت می‌کنند که فرمود: به خدا سوگند حج تمتع بهتر و برتر است. کتاب و سنت گواه است که حج تمتع والاتر است.^{۴۶}

۳. صفوان جمال گوید: به ابو عبدالله صادق علیه السلام گفتم: برخی از مردم می‌گویند: با خود قربانی ببرم تا حج من مانند حج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باشد. برخی می‌گویند حج تمتع به‌جا بیاور، شما چه می‌فرمایید؟ ابو عبدالله فرمود: اگر من هزار سال بیایم و هر سال عازم حج باشم، جز با حج تمتع به خانه خدا نزدیک نمی‌شوم.^{۴۷}

۴. عطیه گوید: به ابو جعفر باقر علیه السلام گفتم: فدایت شوم، برای یک سال هم که باشد، حج خالص به‌جا بیاورم؟ ابو جعفر گفت: اگر من هزار سال در جهان بیایم و به حج بیایم حج تمتع به‌جا می‌آورم. تو نیز حج خود را از تمتع خالص مکن.^{۴۸}

۵. محمد بن فضل هاشمی گوید: من با برادرانم به حضور ابو عبدالله صادق علیه السلام رسیدیم و گفتیم: ما عازم حج شده‌ایم و بعضاً برای نوبت اول به حج می‌رویم. بفرمایید با چه نیتی عازم شویم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «بر شما باد به حج تمتع، سپس فرمود: ما خاندان رسول، درباره حج و عمره تمتع از هیچ قدرتی واهمه نداریم. همچنین درباره تحریم مسکرات و مسح کشیدن بر پشت پاها.»^{۴۹}

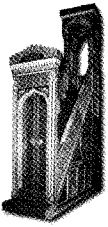
۶. معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ما غیر از حج تمتع، حج دیگری را برای خداوند نمی‌شناسیم (انجام نمی‌دهیم) و چون در قیامت خدای خود را ملاقات کنیم، خواهیم گفت: پروردگارا! ما به کتاب تو و سنت پیامبرت عمل کردیم و این مردم گویند: خداوند! ما به رأی و نظر خود عمل کردیم. آن‌گاه خداوند ما و آن‌ها را در هر جا که مشیت او اقتضا نماید، قرار دهد.^{۵۰}





پی نوشت‌ها

۱. الکافی، ج ۴، صص ۲۹۴ - ۲۹۱، باب اصناف الحج؛ تهذیب الأحكام، ج ۵، صص ۵۶ - ۲۹، باب ضروب الحج؛ وسایل الشیعه، ج ۸، صص ۲۲۱ - ۱۴۸، با عنوان ابواب اقسام الحج؛ بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۸۶، باب انواع الحج؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۳، باب وجوه الحاج.
۲. الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۳۱۴ که درباره وجه تسمیه حج «افراد» می نویسد: «أما في الأفراد فلإنفصاله عن العمرة و عدم إرتباطه بها».
۳. تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۵۱، در حدیث معاویة بن عمار آمده که امام صادق علیه السلام درباره حج قرآن فرمود: «لا یكون قرآن إلا بسباق الهدی» و نیز بنگرید به: الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۳۱۴ و نیز من لا یحضره الفقیه عن ابي عبدالله علیه السلام: الحاج عندنا على ثلاثة أوجه: حاج متمتع وحاج مفرد للحج وسائق للهدی والسائق هو القارن.
۴. روایات تشریع عمره تمتع را در ادامه مقاله.
۵. اهم این روایات را بنگرید در: الکافی، ج ۴، صص ۲۵۲ - ۲۴۴، باب حج النبى صلی الله علیه و آله؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، صص ۱۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۹۰؛ وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶۴؛ تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۳۰؛ سنن النسبی، ج ۶، صص ۶۶ - ۵۱ در روایات مختلف، حج الأنبياء والأئمة، صص ۹۹ و ۱۲۸ - ۱۳۲؛ الحج والعمرة في الكتاب والسنة، صص ۲۸۵ - ۲۸۱؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۳۱۱، كيفية حج النبى.
- و نیز بنگرید به: صحیح مسلم، ج ۲، صص ۸۸۶ - ۸۹۲، باب حجة النبى صلی الله علیه و آله؛ صحیح بخاری، ج ۲، صص ۶۴۹-۶۵۵ در روایات مختلف؛ الموطأ مالك، ج ۱، ص ۳۳۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۹۱؛ سنن نسایی، ج ۵، ص ۱۵۱، التمتع؛ حجة الوداع از ابن حزم، ص ۳۲۹، الأحادیث الواردة في أمر رسول الله بفسخ الحج بعمرة في حجة الوداع؛ سنن ابی داود، ج ۲، صص ۱۶۱ - ۱۵۲.
۶. برخی از این کتب به قرار زیر است: حجة الوداع، تألیف ابن حزم اندلسی (۴۵۶م)؛ حجة المصطفى تألیف محب الدین طبری (۶۹۴م)، حجة الوداع تألیف محمد زکریا کاندهلوی؛ احوال النبى في الحج از فیصل بن علی البعدانی؛ الحج والعمرة في الكتاب والسنة تألیف محمدی ری شهری؛ حج الأنبياء والأئمة از معاونت امور آموزش بعثه؛ همگام با پیامبر در حجة الوداع، تألیف حسین واثقی.
۷. الکافی، ج ۴، صص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ گزیده کافی، شماره ۱۷۷۷.
۸. این شخص طبق پاره‌ای از روایات عمر بن خطاب بوده است؛ بنگرید به: مرآة العقول، ج ۱۷، ص ۱۱۳. و لذا بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و در دوران خلافت خود به انکار این حکم شرعی و ممنوعیت آن حکم نمود (همان جا و نیز ادامه همین مقاله).
۹. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۳؛ وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶۴ و نیز نزدیک به همین حدیث را بنگرید در صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۸۶.
۱۰. ابن حزم، حجة الوداع، ص ۱۱۸.
۱۱. همان جا و نیز صحیح بخاری، ج ۲، صص ۶۵۱ - ۶۴۹؛ موطأ مالك، ج ۱، ص ۳۳۷؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۵۶.
۱۲. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۵۸؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۴۶.



۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۶؛ طبق پاره‌ای از روایات، پیامبر ﷺ از مدینه صد شتر به همراه آورد که از این تعداد ۳۴ عدد را به نیت علی رضی الله عنه و ۶۶ شتر را به نیت خود آورده بود. بنگرید به: من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۳؛ وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶۴، سنن النبی، ج ۸، ص ۵۹
۱۴. الکافی، ج ۲، ص ۲۴۷ با اندکی تلخیص.
۱۵. حجة الوداع، اثر ابن هرم اندولسی، ۳۴۴
۱۶. تفصیل حدیث را بنگرید در: صحیح مسلم، ج ۲، صص ۸۹۲ - ۸۸۶ باب حجة النبی ﷺ و گزیده‌های حدیث را نک: منابع پیشین بحث: گزارشی از حج پیامبر خدا ﷺ در حجة الوداع.
۱۷. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۱۴
۱۸. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۵۹
۱۹. همان مأخذ، ص ۱۶۰
۲۰. سنن نسائی، ج ۵، ص ۱۲۲
۲۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۸۹ و نیز بنگرید به روایات دیگر همین باب تحت عنوان: «الإفراد بالحج».
۲۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۰۵؛ موطأ مالک، ج ۱، ص ۳۳۵ (۴) همان جا به رقم‌های ۱۶۴ - ۱۶۰
۲۳. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۲۷ و نیز سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۹۴
۲۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۹۷
۲۵. بقره: ۱۹۶
۲۶. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۹۵؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۶۵۰
۲۷. همان جا، ج ۲، ص ۸۹۶؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۹۲
۲۸. همان جا، ج ۲، ص ۸۹۷ و نیز نک: موطأ مالک، ج ۱، ص ۳۳۶
۲۹. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۹۷
۳۰. همان جا.
۳۱. همان جا.
۳۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۹۱
۳۳. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۹۹ و نیز بنگرید به روایات متعدد در همین کتاب از شماره ۱۷۳ - ۱۶۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۹۱
۳۴. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۱۸۵
۳۵. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۱۰؛ همگام با پیامبر در حجة الوداع، ص ۱۰۷
۳۶. در حدیثی امام رضا رضی الله عنه می‌فرماید: «... وَأَنْ يَكُونَ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَاجِبَيْنِ جَمِيعاً فَلَا تَعْتَطَلُ الْعُمْرَةُ وَتَبْتَطَلُ وَ لَا يَكُونَ الْحَجُّ مُفْرَداً مِنَ الْعُمْرَةِ»؛ نک: سنن النبی، ج ۸، ص ۵۹ به نقل از علل الشرایع و عیون اخبار الرضا.
۳۷. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶۵؛ سنن النبی، ج ۶، ص ۵۹
۳۸. الفقه علی المذاهب الأربعة، ص ۶۸۸؛ حجة الوداع، الکاندهلوی، ص ۳۶؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۱۸۳
۳۹. الفقه علی المذاهب الأربعة، ص ۶۹۰؛ حجة الوداع، ص ۳۷
۴۰. الفقه علی المذاهب الأربعة، ص ۶۹۲؛ حجة الوداع، ص ۳۷

- ٤١ . الفقه على المذاهب الأربعة، ص ٦٩٣
- ٤٢ . حجة الوداع وجزء عمرات النبي، ص ٣٦؛ و نیز بنگرید به کتاب حجة الوداع، ابن حزم، صص ٤٩٦ - ٣٩٤ با عنوان: الإختلاف في كيفية اهلال رسول الله ﷺ بحج مفرد أم بعمره مفردة.
- ٤٣ . بقره: ١٩٦
- ٤٤ . بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٩٦ به نقل از علل الشرايع؛ حج الأنبياء والأئمة عليهم السلام، ص ١٢٨
- ٤٥ . تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٣٥؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٠٤؛ الكافي، ج ٤، ص ٢٩١
- ٤٦ . من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٠٤؛ تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٣٥؛ الكافي، ج ٤، ص ٢٩٢
- ٤٧ . الكافي، ج ٤، ص ٢٩٢؛ تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٣٤
- ٤٨ . تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٣٤
- ٤٩ . من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٠٥؛ الكافي، ج ٤، ص ٢٩٣
- ٥٠ . الكافي، ج ٤، ص ٢٩١

